باید بین سهم بازار و قیمت نفت توازن ایجاد کرد

یارجانی، جواد

نخواهند بود و نمی‏توانند جوابگری افزایش تقاضای ناشی از کاهش قیمت نفت باشند.به عبارت دیگر،از آنجایی که کشورهای‏ غیر اوپک با هزینه بیشتری نفت استخراج می‏کنند و قادر نیستند افزایش تولید بدهند،در نتیجه سهم اوپک در تولید بالا می‏رود و اعضای اوپک بازار جهانی نفت را در دست خواهند داشت.اما این فرض هم برپایه نادرستی استوار است.با توجه به این موقعیت‏ که هر بشکه نفت بیش از 80 درصد هزینه سرمایه‏گذاری دارد و هزینه عملیاتی و یا ثابت کار،ده تا بیست درصد است تولید کننده‏ و شرکتی که قبلا اقدام به سرمایه‏گذاری کرده قیمت نفت را برای‏ افزایش یا کاهش تولید با هزینه سرمایه‏گذاری مقایسه نمی‏کند بلکه با هزینه عملیاتی مقایسه خواهد کرد.

از سوی دیگر،از عناصر کلیدی برنامه‏های تدوین شده از سوی‏ کشورهای صنعتی به حداقل رساندن وابستگی این کشورها به‏ نفت خام و فرآورده‏های نفتی کشورهای عضو اوپک است.به‏ دلیل سهم حداقل بازار که برای اوپک در نظر گرفته شده اجازه‏ افزایش آن هم داده نمی‏شود مگر اینکه اجتناب ناپذیر باشد.

براساس همین استراتژی،چنانچه با کاهش قیمت،تمایل‏ برای خرید افزایش یابد،آنها با مکانیزم‏هایی با کاهش قیمت،تمایل‏ جلوی این افزایش خرید را می‏گیرند.اکثر کشورهای صنعتی از این عوامل استفاده می‏کنند و با بستن مالیات‏های سنگین بر نفت و فرآورده‏های نفتی باعث می‏شوند که هر چقدر هم که‏ قیمت کاهش یابد،سودی به مصرف کننده منتقل نشود.این‏ کشورها برای دفاع از منافع کشورهای غیر اوپک و برای اینکه‏ تولید کشورهای شمالی مانند انگلیس و نروژ دچار مشکل نشود با اعمال مکانیزم مالیاتی و حق بهره مالکانه دولتها از تولید این‏ کشورها حمایت می‏کنند؛یعنی به موقع لازم با کاهش مالیاتها از تولید کنندگان کشورهای شمالی حمایت می‏کنند.

بنابراین چطور می‏توان با استفاده از عامل قیمت،سهم بازار را در دست گرفت؟آیا باید تا زیر پنج دلار قیمت را کاهش داد تا سهم بازار به دست آید؟به همین دلیل،نظریه سهم بازار در کوتاه مدت جوابگر نخواهد بود؛هر چند ممکن است در بلند مدت جوابگر باشد.اما کدامیک از کشورهای عضو اوپک‏ با این اوضاع اقتصادی که دارد می‏تواند یک دوره بیست ساله را تحمل کند؟قطعا هیچکدام!عربستان سعودی که خود دنبال‏ افزایش سهم بازار بود در سال 1985 بیش از شش ماه دوام نیاورد و بحران‏های جدی در اوپک اتفاق افتاد.در نتیجه،این کشور نیز از سهم بازار چشم پوشید و به قیمت بازگشت.

به طور طبیعی براساس پیش‏بینی‏های موجود محافل‏ صنعتی،تقاضا برای اوپک در حال افزایش است.زیرا کشورهای غیر اوپک توان تولید بیشتر را ندارند و تقاضای‏ بیشتر از سوی کشورهای صنعتی نیز اجتناب ناپذیر است. بنابراین تقاضا در بازار رو به افزایش است.براساس همین‏ پیش‏بینی کارشناسان جهانی نفت،ایران از پنج سال پیش برای‏ ظرفیت سازی به بیع متقابل روی آورد و مدیران با تکیه بر همین پیش‏بینی‏ها با بستن قراردادهای بیع متقابل برای افزایش‏ تولید و امکان افزایش سهم بازار،البته بدون کاهش آنچنانی‏ قیمت‏ها،پا در این راه گذاشتند.حال چه شده که صحبت از خروج از اوپک و سهم بازار می‏شود؟اگر آن پیش‏بینی‏ها درست بود که نباید نگران ظرفیت بالا و افزایش تولید باشیم. اگر پیش‏بینی‏های انجام شده درست نبوده،چرا تن به افزایش‏ تولید و ظرفیت سازی داده شد؟بنابراین برنامه‏های اجرا شده‏ در این چند سال زیر سئوال خواهد رفت.

تلاش برای به حداکثر رساندن درآمد است‏ باید بین‏ سهم بازار و قیمت نفت‏ توزان ایجاد کرد

ایران به عنوان عضو و یکی از بنیانگذاران اوپک باید هماهنگ با سیاست‏های تعیین شده حرکت کند. کشورهای عضو اوپک نمی‏توانند تنها منافع ملی خود را برای تصمیم‏گیری مد نظر قرار دهند و به دلیل‏ مشترکات موجود،هر عضو باید در حرکتی هماهنگ‏ با دیگر اعضا در تدوین سیاست‏ها مشارکت جوید. نزدیکترین این مشترکات وابستگی اقتصاد کشورهای‏ عضو اوپک به درآمد نفت است.

به موجب این وابستگی و تامین ارز خارجی مورد نیاز از محل فروش نفت،اجرای هر برنامه باید براساس‏ این حقایق و مفروضات صورت گیرد.تلاش‏ کشورهای عضو برای به حداکثر رساندن درآمد تلاش‏ مثبتی است،اما اعضا به این واقعیت نیز توجه دارند که‏ در شرایط فعلی بازار نفت،تلاش‏ انفرادی هر کشور برای رسیدن به‏ این خواست،نتیجه‏ای در بر نخواهند داشت.تصمیم جمعی آنان برای‏ کاهش و یا افزایش تولید راه را برای‏ حداکثر سازی درآمد همواره‏ می‏سازد.

اوپک در گذشته هم این مشکل‏ را تجربه کرد.در سال 1973 که‏ مسئولیت تعیین قیمت از سوی‏ شرکت‏های نفتی«میجر»به اوپک‏ واگذار شد،این سازمان برای‏ رسیدن به یک قیمت ثابت تلاش‏ کرد و تا اوایل دهه 80 با دفاع از قیمت و برای حفظ آن،سیاست‏ کاهش تولید را پیش گرفت.این‏ سیاست در سال 86-1985 افت‏ شدید سهم بازار اوپک را به همراه‏ داشت.

کشورهای عضو برای رهایی از مشکل پیش آمده سیاست سهم‏ بازار را به اجرا گذاشتند.بر این اساس‏ هر اندازه توان تولید اجازه می‏داد نفت روانه بازار شد.اجرای این‏ سیاست نیز افت شدید قیمت نفت‏ را به همراه داشت تا آنجا که اقتصاد دنیا با مشکل رو به رو شد.حتی‏ کشورهای مصرف کننده نیز به این‏ واقعیت پی بردند که کاهش‏ قیمت‏ها منافع آنها را نیز تامین‏ نخواهد کرد.زیرا با عدم‏ سرمایه‏گذاری رو به رو شدند که‏ نتیجه آن افزایش قیمت‏ها بود.

بنابراین،باید دو مقوله«سهم بازار و قیمت نفت»همزمان مورد توجه‏ قرار گیرد.توجه صرف به سهم بازار کاهش قیمت‏ها را به دنبال دارد که‏ امکان دسترسی به درآمد حداکثر را ناممکن می‏سازد. البته این واقعیت نیز باید مدنظر قرار گیرد که از دست‏ دادن دائم بازار هم برای کشورهای عضو قابل تحمل‏ نخواهد بود.از این‏رو باید اعضا از حدی از قیمت دفاع‏ کنند که امکان دسترسی به حدی از درآمد را برایشان‏ فراهم سازد.

اخیرا پرسش‏هایی درباره ضرورت ادامه عضویت ایران‏ در اوپک مطرح شد و اظهار نظرهایی هم صورت گرفت؛ با این استدلال که می‏توان با خروج از سازمان و گرفتن‏ سهم بازار،به حداکثر سازی درآمد پرداخت.اما این فرضیه‏ با چند پیش شرط همراه است.این تصور درستی نیست‏ که با خروج ایران از اوپک مسئله‏ای پیش نمی‏آید.